بسمه تعالی

**موضوع**: خوف از ضرر در قیام /قیام /صلاه

فهرست مطالب:

[بررسی مجوزیت خوف ضرر برای عدم رعایت قیام 1](#_Toc91435120)

[بررسی فرمایش آیت الله زنجانی دام ظله 1](#_Toc91435121)

[بررسی مسئله حکومت لاحرج بر أدله مستحبات 2](#_Toc91435122)

[رفع لزوم شرطی توسط لاحرج 3](#_Toc91435123)

[بررسی فرمایش محقق داماد مبنی بر عدم بطلان أعمال ضرری 5](#_Toc91435124)

[کلام آیت الله زنجانی 5](#_Toc91435125)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته مسئله فوف از ضرر در قیام مطرح گردید که در ضمن آن به بحث باطل بودن عمل حرجی اشاره شد، برخی مانند محقق خویی و امام قائل به بطلان عمل بودند و برخی دیگر مانند محقق داماد، قائل به صحت عمل حرجی شده بودند.

# بررسی مجوزیت خوف ضرر برای عدم رعایت قیام

بحث در خوف ضرر در فرض قیام بود. کلماتی را در جلسه گذشته مطرح کردیم.

## بررسی فرمایش آیت الله زنجانی دام ظله

حال به بیان آیت الله زنجانی در این باره می پردازیم. عمده استدلال آیت الله زنجانی این است که خوف ضرر ولو موجب ظن به ضرر نشود، برای رفع تکلیف کافی است، از باب اینکه مساوق با حرج است. وگرنه اگر بحث انسداد صغیر بود باید می فرمود این خوف موجب ظن قوی به ضرر است که قدر متیقن از مقدمات انسداد است. اگر هم بخواهید مانند محقق خویی مسئله الغاء خصوصیت از روایات متفرقه را مطرح کنید[[1]](#footnote-1)، ایشان این الغاء خصوصیت را قبول نمی کنند و می فرمایند از ذکر چند روایت نمی توان، تعمیم را استفاده کرد. در صوم روایت خاصه وارد شده است که اگر کسی چشمش درد می کند روزه اش را می خورد و نمی توان از آن به نماز تعدی کرد. پس تنها دلیل ایشان این می شود که خوف ضرر مستلزم حرج است.

**به نظر ما این فرمایش ایشان درست نیست**؛ زیرا حکم به سقوط قیام بستگی دارد که ضرر، ضرر معتد به باشد که انسان از آن احتراز می کند و ترس از آن هم باعث می شود آرامش از انسان گرفته شود و انسان دچار غلق نفسی شدید شود. وگرنه خوف ضرر های غیر مهم موجب حرج نیست. خیلی اوقات خوف ضرر است ولی اینکه انسان غلق نفسی داشته باشد ونگران باشد و شب ها خوابش نبرد، اینطور نیست. حتی علم به ضرر معتدبه نیز گاهی موجب حرج نمی شود و ابایی ندارند از اینکه فلان بیماری را بگیرند. بلی، یک وقت خوف تلف نفس است که خارج از بحث است و اگر کسی اجتناب نکند القاء در تهلکه می شود، ولی خوف از بیماری های معمول، خوفی که حرج آور باشد نیست. با اینکه ضرر معتد به نیز می باشد، اگر علم دارد که روزه را بگیرد، خوف دارد که بیمار شود، همین مقدار ضرر معتدبه صدق می کند ولی حرج صدق نمی کند. چشم درد که در روایت آمده است نیز معلوم نیست حرج باشد؛ زیرا خوف ضرر مساوق با حرج نفسی نیست. خوف مطلق ضرر حتی اختصاص به ضرر محرم نیز ندارد، گاهی رافع وجوب صوم و قیام و امثال آن است، بنابراین خوف ضرر لازم نیست ضرر بلیغی باشد که مساوق با حرج باشد. بلی، از ضرر های یسیر که معتد به نیست منصرف است، ولی ضرر معتد به ولو اینکه حرام نباشد، رافع تکلیف است با اینکه حرجی نیز نیست. مطلق اضرار به نفس حرام نیست ولی اشکالی ندارد که شارع بگوید صومی که موجب اضرار به نفس است جایز نیست. بحث این است که خوف چنین ضرری، رافع است ولی به حرج نمی افتد؛ پس اینکه ایشان می فرمایند خوف مطلق ضرر انسان را به حرج می اندازد، تمام نیست. دقت شود که ایشان می فرمایند الغاء خصوصیت از روایات نمی شود کرد و فقط دلیل ایشان این است که خوف ضرر مستلزم حرج نفسانی است، در حالی که ما این را قبول نداریم و می گوییم اینطور نیست.

# بررسی مسئله حکومت لاحرج بر أدله مستحبات

این نکته را نیز عرض کنیم که ما یک مطلبی وفاقا للأعلام عرض کردیم که استحباب اگر حرجی شد، با لاحرج برداشته نمی شود[[2]](#footnote-2)؛ یعنی ﴿ما جعل علیکم فی الدین من حرج﴾[[3]](#footnote-3)در رفع استحباب های حرجی اطلاق ندارد، این مطلب در کلام محقق خویی و دیگران نیز مطرح شده است؛ زیرا ﴿ما جعل علیکم فی الدین من حرج﴾[[4]](#footnote-4) ظهور در رفع جعل الزامی دارد که نفی جعل الزامی موافق با امتنان است، وگرنه رفع استحباب امتنانی نیست؛ مثلا کسی که نماز شب می خواهد بخواند با وضو می داند سخت است، شارع که این کار را واجب نکرده است، لذا استحباب را رفع نمی کند. یا نماز غیر ایمایی برای برخی حرجی است، مثلا شخص خیلی چاق است و نمی تواند ایستاده و نشسته نماز بخواند، باید خوابیده بخواند. ما گفتیم که نماز واجب را می تواند بخواند، حال در مورد نماز مستحبی نیز می توان گفت که می تواند بخواند؟ آیا می توان گفت که با لاحرج، حالت قیامی آن برداشته می شود؟ از نظر فنی شبهه دارد؛ زیرا فرموده اند که لاحرج از مستحبات منصرف است. استحباب نماز شب ایستاده یا نشسته دلیل دارد، ولی کسی که به حرج می افتد[[5]](#footnote-5)، آیا استحباب نماز خوابیده نماز شب نسبت به او دلیل دارد؟ استحباب نماز شب با تیمم برای کسی که از وضو به حرج می افتد، دلیل دارد؟ خیر دلیل ندارد. پس چگونه در حق این شخص نماز مستحبی خوابیده یا با تیمم را مشروع کنیم؟ این مطلب از نظر فنی یک مقداری ایراد دارد.

بلی، اگر عنوان غیر المستطیع بر موارد حرج صادق باشد، دلیل داریم که «من لا یستطیع الوضو، یتمم» یا «من لا یستطیع الجلوس، یصلی مضطجعا»، اما شبهه ما این است که «من لا یستطیع» شامل موارد حرج نمی شود. البته شهید صدر در بحوث می فرماید عنوان استطاعت بر موارد حرج صادق نیست. ایشان به مناسبتِ بحث از قدرت شرعیه در تزاحم فرموده اند که اگر در خطاب استطاعت اخذ شود، مقید به قدرت تکوینی با عدم حرج می شود. ولی برای ما این مطلب روشن نیست. عرف می گوید من می توانم وضو بگیرم و نماز شب بخوانم، ولی برایم سخت است، نمی گوید نمی توانم. لذا چگونه می توان نماز شب این شخص را که وضو بر او حرجی است و با تیمم می خواهد نماز بخواند، تصحیح کنیم؟

## رفع وجوب شرطی توسط لاحرج

البته یک وجهی در بحث «رفع ما لایعلمون» مطرح شده است که آیا شامل مستحبات می شود یا خیر؛ از آن بحث در اینجا نیز استفاده شده است؛ بدین بیان که وجوب شرطی قیام برای یک عمل مستحب، دارای کلفت زائده است، این وجوب شرطی را به وسیله لاحرج بر می داریم. وقتی وجوب شرطی برداشته شد استحباب نماز شب در جای خود است و وظیفه استحبابی شخص، متعین در نماز شب خوابیده می شود. محقق خویی در تنبیهات برائت فرموده است: اگر شک در استحباب یک فعلی کنیم، مثل اینکه شب در استحباب نماز غفلیه کنیم معنا ندارد که برائت از استحباب کنیم؛ زیرا استحباب ثقل آور نیست، اما اگر شک در وجوب شرطی در یک مستحب کنیم، مثل اینکه نمی دانیم نماز شب مشروط به قیام است یا خیر، در این صورت در وجوب شرطی قیام شک کرده ایم، این وجوب شرطی ثقل آور است و می توان گفت که با دلیل رفع برداشته می شود؛ زیرا وجوب شرطی ثقل آور بود[[6]](#footnote-6).

شهید صدر اشکال کرده ائد که حدیث رفع انصراف از مستحبات دارد، أعم از اینکه اصل استحباب مشکوک باشد یا اجزاء و شرایط آن مشکوک باشد[[7]](#footnote-7).

ما فرمایش محقق خویی را پذیرفتیم و گفتیم عرفی است. حال طبق آن فرمایش، آیا می توان در اینجا نیز در مورد حرج همین را مطرح کرد؟ بدین بیان که بگوییم یک وقت اصل استحباب نماز شب حرجی است، به هر نحوی که باشد حرجی است، در این صورت اصل استحباب را شارع مرتفع نمی سازد؛ زیرا ثقل آور نیست که بردارد، اگر کسی دوست داشت با حرج برود بخواند و اگر دوست نداشت بخوابد، اما اگر وجوب شرطی یک شرطی در ضمن مستحب حرجی بود، ممکن است کسی بگوید که این وجوب شرطی را لاحرج بر می دارد. اگر شما تقید استحباب نماز شب را به وضوی حرجی برداشتید، دیگر ادله تیمم که می گوید التراب احد الطهورین کافی است برای اینکه در فرضی که وضو به خاطر حرج، واجب شرطی نیست، تیمم جای او را بگیرد. مفاد التراب احد الطهورین این است. از ادله استفاده می شود که کسی که وضو بر او واجب نیست، تیمم در حق او مشروع است. محقق خویی نیز این مطلب را فرموده است. کسی که قیام و جلوس بر او واجب نیست، ولو وجوب شرطی اش برداشته شده باشد، نماز مضطجع بر او مشروع است. بنابراین ممکن است کسی بگوید لاحرج، این شرطیت تعیینی وضو را بر می دارد، و شرطیت به صورت تخییری بین وضو وتیمم می شود. این مطلب غایۀ ما یمکن ان یقال است. البته در مورد وضو و تیمم ممکن است از مجموع ادله استفاده کنیم که امر در وضو و تیمم سهل است. مثل روایتی که جواز وضو در خوف عطش را مطرح کرده اند. لذا ممکن است استفاده شود که در وضو و غسل امر سهل گرفته شده است و این روایت در مورد خصوص نماز فریضه نیز نیست. ولی به طور کلی ممکن است کسی بگوید که لاحرج بر وجوب شرطی آن شرط تطبیق می شود و از خارج فهمیده ایم که هرگاه قیام و جلوس شرط تعیینی نیست، جلوس در جای آن می نشیند. البته ما به صورت ما یمکن ان یقال گفتیم و جزمی نگفتیم و باید روی آن تأمل شود.

این مسئله مناسب بود بحث شود در این مقام ها ولی ندیدین که کسی آن را بحث کرده باشد.

## بررسی فرمایش محقق داماد مبنی بر عدم بطلان أعمال ضرری

در جلسه گذشته مطرح شد که دو قول در زمینه فعل ضرری مطرح شده است. یک قول کلام محقق خویی و امام بود که فعل ضرری را باطل می دانستند. در مقابل فرمایش محقق داماد است که فرمودند: مطلق ضرر رافع مشروعیت فعل ضرری نیست. یعنی با اینکه قیام در نماز ضرری است، می توان ایستاده نماز خواند و نمازباطل نیست. همانطور که ائمه متضرر از انجام عبادات می شده اند. بلی، تحمل ضرر وجوب ندارد ولی حرام و نامشروع نیست، برخلاف محقق خویی که عمل را باطل و نامشروع می دانستند.

**به نظر ما فرمایش محقق داماد صحیح نیست**؛ زیرا عرف از «المریض یصلی جالسا» تعین وظیفه را می فهمد. متعین است بر مریض (مراد از مریض یعنی کسی که قیام برایش ضرر دارد) که نشسته بخواند. روایت ابی حمزه ثمالی نیز این بود که المریض یصلی جالسا، شخص مریض نشسته می خواند. ظاهر آن تعین وظیفه است که نشسته بخواند. محقق داماد در مریض نفرمود که نماز ایستاده مشروع است، ایشان گفت کسی که برای آینده اش ضرر دارد، نماز قیامی مشروع است. ما می گوییم از تعابیری مثل المریض یصلی جالسا، تعین نماز جلوسی برای کسی که برایش ضرر دارد استفاده می شود.

اشکال می شود که فاضل نراقی فرموده است که اگر صیغه مضارع باشد دال بر جواز است، جواب می دهیم که همانطور که در اصول مطرح شده است، باید ظهور کلام را دید. ظاهر «یصلی جالسا» یعنی وظیفه تعیینی جلوس است. به مناسبت حکم و موضوع مریض یعنی کسی که قیام بر او ضرری است.

### کلام آیت الله زنجانی

یک مطلبی آیت الله زنجانی می فرمودند که اگر در جایی دلیل آمده باشد که حد مریض این است که «الذی یضر به الصوم» ما ملتزم می شویم که در باب صوم، مریض بودنی موجب افطار است که روزه برایش مضر باشد. اما در جایی که به صورت مطلق «المریض» گفته اند مثل دلیل «المریض یصلی جالسا» که در بحث قیام آمده است، لزومی ندارد که بگوییم حتما باید بر او ضرر داشته باشد. لذا از شخصی که مریض است و انجام قیام بر او سختی مازاد بر متعارف دارد، قیام ساقط است. زیرا شارع نمی خواهد که این مکلف بین بیماری و قیام جمع کند. سپس فرموده اند در تیمم نیز همین مطلب را می توان گفت. در آیه وضو «إن کنتم مرضی أو علی سفر » آمده است و بحث ضرری بودن مطرح نشده است، همین که مریض است، می تواند تیمم کند. تناسب حکم و موضوع نیز این است که شارع نمی خواهد بین مصیبت مریضی و سختی کار جمع شود. جمله المریض اطلاق دارد و هیچ نیازی به قید ضرر داشتن نیست. بنابراین در نظر ایشان المریض یعنی کسی که قیام یا وضو بر او سختی مازاد بر متعارف داشته باشد، ولو اینکه ضرری نیز در میان نباشد.

حال اگر بخواهیم این فرمایش ایشان را با عرض ما که گفتیم ظاهر المریض یصلی جالسا به نحو عزیمت است و ظاهر در وظیفه تعیینی مکلف است، جمع کنیم، باید بگوییم که اگر مکلف ایستاده نماز بخواند و سختی را تحمل کند، نماز او باطل خواهد بود. این با نظر به فرمایش محقق زنجانی نتیجه ی بدی خواهد داد؛ زیرا لازمه اش این است که گفته شود مریض شامل کسی است که ولو در صورت عدم تضرر، همین که مقداری زحمت بیش از مقدار معمول دارد، باید نشسته بخواند؛ بنابراین نماز قیامی مریض ولو اینکه در صورت قیام تضرر نبیند، باطل خواهد بود و این خلاف مرتکز است؛ از این رو ما به این نتیجه ملتزم نمی‌شویم. اما آن مریضی که قیام برایش ضرر دارد، خلاف مرتکز نیست که نمازش را باطل بدانیم. بنابراین از آنجایی که ظاهر این روایت این است که وظیفه تعیینیه نماز برای مریض، نماز نشسته است، اگر ایستاده بخواند نماز وی باطل خواهد بود. ‌

### بررسی مشکله لزوم یا عدم لزوم قضای نماز های سابق ضرری

از اینجا ما وارد یک مشکلی می‌شویم. مشکل با کلام آیت الله زنجانی را اینطور جواب دادیم که بطلان نماز مطلق مریض، خلاف مرتکز است و فقط نماز کسی که متضرر از قیام می شود، باطل است. اما از این‌جا می‌رسیم به یک اشکال بالاتر. اشکال بالاتر

این است که گاهی افرادی هستند که مدتی را نماز قیامی همراه با متضرر شدن خوانده اند، سپس به دکتر مراجعه می کنند و دکتر می گوید حال که داری فلج می شوی بسیار دیر آمده ای و تمام نماز هایی که در این مدت خوانده ای برای شما ضرر داشته است. در این جا دو قول وجود دارد:

1.مشهور فرموده اند از آنجایی که این شخص کوتاهی نکرده و خوف ضرر نیز نداشته است، نماز هایی که خوانده صحیح است. همچنین در مورد روزه هایی که گرفته است در حالی که برایش ضرر داشته، مشهور قائل به صحت شده اند.

2.محقق خویی فرموده اند که نماز های خوانده شده و روزه های گرفته شده در حال متضرر شدن، صحیح نبوده اند. چرا که طبق آیه شریفه «من کان مریضا فعدۀ من أیام أخر» وظیفه شخص در حالی که مریض بوده است، روزه گرفتن نبوده است و روزه از وی ساقط شده بود. بنابراین باید تمام روزه ها را قضا کند.

وقتی از محقق خویی سوال شود که آیا در مورد وضو و یا غسل های گرفته شده در حال ضرر نیز همین نظر را دارند یا خیر؟ جواب ایشان منفی است. ایشان می فرمایند در مورد غسل و وضو، اعمال انجام شده صحیح است؛ زیرا دلیل رفع وضوی ضرری، لاضرر است که یک دلیل امتنانی است، حال اگر بخواهد لاضرر بدین صورت جاری شود که وضوی ضرری باطل بوده باشد خلاف امتنان است. این شخص جاهل به ضرر بوده است، حال که عالم به ضرر شده است، اگر لاضرر در حق او بخواهد جاری شود، و موجب عدم مشروعیت اعمال انجام شده شود، خلاف امتنان است و با امتنانی بودن دلیل لاضرر و لاضرار سازگاری ندارد.

اگر از ایشان سوال شود که آیه «ان کنتم مرضی فتیمموا» چه می شود؟ چرا در مورد این آیه نمی فرمایید که طبق این آیه، مشروعیت وضو برداشته شده بوده و آنچه واجب بوده تیمم بوده است؟ ایشان در جواب می گویند که این آیه یک قیدی دارد که موجب تفاوتش با آیه «إن کنتم مرضی فعدۀ من أیام أخر» می شود. قید این آیه «فلم تجدوا ماءا» است. این «فلم تجدوا ماءآ» قید برای إن کنتم مرضی است، لذا مختص می شود به مریضی که وضو و غسل برایش ضرر دارد به صورتی که او را عاجز شرعی از وضو و غسل می کند.

طبق این بیان محقق خویی رحمه الله، در بحث ما اگر دلیل «المریض یصلی جالسا» باشد فرق می کند با جایی که به خاطر لاضرر بگوییم نشسته بخواند. در لاضرر، برای کسی که نمی دانست قیام برای او ضرری است، خلاف امتنان است که بگوییم نماز های خوانده شده باید قضاء شود، ولی طبق دلیل «المریض یصلی جالسا» مثل آیه صوم می ماند که در نظر ایشان وقتی شخص مریض بوده است، اساسا نماز ایستاده برای او مشروع نبوده و باید نماز ها را دوباره بخواند.

در جلسه آینده به بررسی فرمایش محقق خویی می پردازیم.

1. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج14، ص246.](http://lib.eshia.ir/71334/14/246/%D8%A7%D9%84%D8%AA%D8%B9%D9%85%DB%8C%D9%85)« «أنّا استفدنا التعميم لصورة الخوف من الموارد المتفرقة كالصوم و التيمم و نحوهما من الموارد التي استشهد الإمام (عليه السلام) على سقوط الوظيفة الأوّلية، و الانتقال إلى البدل عند مجرد الخوف بدليل نفي الضرر أو العسر و الحرج. هذا، مع أنّ‌ خوف الضرر أمارة نوعية و طريق عقلائي لاستكشاف الضرر الواقعي، فإنّ‌ العقلاء لا يزالون يعاملون مع خوف الضرر معاملة الضرر». [↑](#footnote-ref-1)
2. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج10، ص119.](http://lib.eshia.ir/71334/10/119/%D8%AD%D8%B1%D8%AC)« ما تقدم من عدم شمولهما الأحكام الترخيصية. إذن فهي على استحبابها في موارد الضرر و الحرج، فان أتى المكلف بها وقعت مستحبة». [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره حج ، آيه 78. [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره حج ، آيه 78. [↑](#footnote-ref-4)
5. . البته فعلا بحث سر مریض نیست، مریض بحث دیگری دارد. [↑](#footnote-ref-5)
6. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج13، ص179.](http://lib.eshia.ir/71334/13/179/%D8%A7%D9%84%D8%AD%D8%B1%D8%AC)« و حيثية الوجوب الشرطي و تقيد الصلاة مثلاً بها، و المرتفع بدليل الحرج إنما هي الحيثية الثانية المتضمنة للإلزام و وقوع المكلف في كلفة و ضيق، و أمّا الحيثية الأُولى فبما أنّه لا إلزام فيها و المكلف مخيّر بين الفعل و الترك، فلا يرتفع بذاك الدليل لعدم منّة في رفعه، فعبادية العمل محرزة، فيمكن التقرب به و إن تحمّل الحرج.». [↑](#footnote-ref-6)
7. [بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج5، ص150.](http://lib.eshia.ir/13064/5/150/%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D9%82%D9%84%D8%A7%D9%84%DB%8C)«قال سیدنا الأستاذ: تجري البراءة عن الوجوب الشرطي لذلك الجزء أو الشرط لا الوجوب التكليفي. و یرد علیه: ...» [↑](#footnote-ref-7)